



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام
سال ششم / شماره بیست و سوم / بهار ۱۴۰۴

doi : 10.22034/icrs.2025.519108.1328

رویکرد باستانی پاریزی به دانش تاریخ نگاری نوین

محمد شورمیج^۱ / فاضل فرسیاد^۲

چکیده

محمد ابراهیم باستانی پاریزی از نویسندگان و محققین پرکار و صاحب سبک در تاریخ نگاری ایران می باشد که توانست از تلفیق تاریخ با روایت داستانی، جذابیت خاصی به علاقمندان مطالعه کتب تاریخی بدهد. سبک تاریخ نگاری باستانی پاریزی در مقایسه با نویسندگان دانشگاهی متمایز و خاص است. او با تلفیق تاریخ، ادبیات و روایت داستانی، توانست توجه افراد زیادی از طبقات مختلف جامعه را به مطالعه کتب و آثار تاریخی جلب نماید. باستانی پاریزی در پی جذاب نمودن تاریخ بود، بدون اینکه آن را تا سطح نازلی مانند زمان تاریخی یا وقایع نگاری پایین بیاورد. لذا مسأله اصلی تحقیق این است، رویکرد باستانی پاریزی به دانش تاریخ نگاری نوین چگونه بوده است؟ در پژوهش حاضر سعی می شود، رویکردهای باستانی پاریزی به دانش تاریخ نگاری نوین که در نوشتار محققین قبلی کمتر به آن توجه شده است، با روش توصیفی و تحلیلی تبیین گردد. یافته های تحقیق، بیانگر این مسأله است که باستانی پاریزی تحلیل های عمیق و نکته های دقیقی از وقایع ساده تاریخی استخراج می کرد و آنها را در سطح کلی برای استفاده حال و آینده عموم جامعه تعمیم می داد. وی در تاریخ نگاری خود، به دنبال راه حلی برای پاسخ به پرسش های مخاطبان خود و فراهم نمودن فضای مناسب اخلاقی برای جامعه معاصرش بود. لذا منش تاریخ نگاری باستانی پاریزی، از روش خاص تاریخ نگاری او برجسته تر بوده است.

واژه های کلیدی: باستانی پاریزی، تاریخ نگاری، تاریخ نگری، روش تاریخی، پژوهش تاریخی.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). m.shoormeij9@pnu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. fazel.farsiad@gmail.com

Bastani Parizi's Approach to the Science of Modern Historiography

Mohammad Shoormeij¹/ Fazel Farsiad²

Abstract

Mohammad Ebrahim Bastani Parizi was a prolific and stylistically distinctive writer and researcher in the field of Iranian historiography. He successfully combined historical narrative with storytelling techniques, bringing a unique appeal to readers interested in historical literature. His historiographical style stands apart from that of academic historians. By blending history, literature, and narrative storytelling, he was able to attract a broad audience from various social classes to engage with historical texts and works. Bastani Parizi sought to make history captivating without reducing it to a low level, such as historical novels or mere chronicles. Therefore, the main research question is: How did Bastani Parizi's approach to the Science of modern historiography? In the present study, we attempt to explain Bastani Parizi's approaches to the Science of modern historiography, which have received little attention in previous researchers' writings, using a descriptive and analytical methodology. The findings of this study reveal that Bastani Parizi extracted deep analyses and subtle insights from seemingly simple historical events and generalized them for broader public benefit both present and future. In his historiography, he sought to provide answers to the questions of his audience while also fostering an ethical environment for his contemporary society. Therefore, the character and ethos of Bastani Parizi's historiography proved to be even more significant than his specific methodological approach.

Keywords: Bastani Parizi, Historiography, Historical Perspective, Historical methodology, Historical Research.

1. Associate Professor Department of History, Faculty of Social Sciences, PayameNoor University, Tehran, Iran. m.shoormeij9@pnu.ac.ir

2. Master of science in Iranian Islamic History, PayameNoor University, Tehran, Iran. fazel.farsiad@gmail.com

مقدمه

محمد ابراهیم باستانی پاریزی از نویسندگان و محققین معروف تاریخ معاصر ایران بود که از لحاظ سبک تاریخ‌نویسی و نگرش تاریخ نگاری، جایگاه ویژه‌ای در بین نویسندگان دانشگاهی دارد. به جرأت می‌توان گفت، در دوره کنونی کسی همانند او، توانمندی نگارش تاریخ مردمی و جذاب کردن تاریخ در بین خوانندگان از طیف‌های مختلف جامعه را نداشته است. به نظر نگارنده، وی بیش از آن که به عنوان یک استاد در تدریس تاریخ موفق باشد، یک نویسنده موفق در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تاریخ ایران، به خصوص تاریخ محلی کرمان بود، که الحق و الانصاف بیش از همه محققین دانشگاهی و غیر دانشگاهی، در نگارش تاریخ نگاری مردمی و سبک جدید آن یعنی تاریخ زندگی روزانه موفق بوده است. زندگی و زیست نامه باستانی پاریزی را علاقمندان وی در قالب مقالات و کتاب نشر داده‌اند، لذا برای جلوگیری از تکرار مطالب، از ذکر زیست نامه وی خودداری می‌شود.^۱

مساله اصلی تحقیق این است، سبک و نگاه باستانی پاریزی به تاریخ و تاریخ نگاری چگونه بوده است؟ آیا باستانی پاریزی، در شناساندن سبک جدید تاریخ نگاری مردمی یعنی تاریخ زندگی روزانه تأثیر گذار بوده است؟ بدون شک باستانی پاریزی با خلق آثار متعدد در زمینه تاریخ محلی و گونه‌های مختلف تاریخ زندگی روزمره از افراد طبقات بالا تا پایین جامعه، در شکل‌گیری تاریخ نگاری جدید می‌توانست تأثیرگذار باشد.

پیشینه تحقیق

درباره باستانی پاریزی، آثار زیادی به صورت یادداشت، سخنرانی، مقاله، کتاب و پایان نامه منتشر شده است.

۱. در سال های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ در دانشگاه تهران شاگرد باستانی پاریزی بودم.

۲. محمد ابراهیم باستانی پاریزی در سوم دی ماه ۱۳۰۴ هـ ش در قریه کوچکی به نام پاریز میان سیرجان و رفسنجان، متولد شد و در پنجم فروردین ۱۳۹۳ هـ ش در تهران دار فانی را وداع کرد. اودر مصاحبه با یکی از نشریات، بیوگرافی علمی خود را بیان می‌کند که از تکرار آن در اینجا خودداری می‌شود. (ن.ک. باستانی پاریزی، ۱۳۶۹: ۴۷-۳۳) استاد باستانی پاریزی در سال ۱۳۸۷ ش از دانشگاه تهران باز نشسته شد و حدود ۷۰ اثر از وی به چاپ رسیده است.

زریاب خویی (۱۳۵۶)، در هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی - کرمان در سال ۱۳۵۶، خطابه‌ای درباره سبک تاریخ نگاری باستانی پاریزی، به عنوان «گذشته، مقدمه حال» بیان نمود. در این سخنرانی از روش، بینش و نگاه باستانی پاریزی به تاریخ مطالبی را ذکر نمود و در آخر، سبک خاص باستانی پاریزی را ستایش کرد.

سیمین فصیحی (۱۳۷۷)، نیز در کتاب «جریان‌های اصلی تاریخ نگاری در دوره پهلوی»، انتقادی به تاریخ نگاری باستانی پاریزی داشته و بیان نمود، امیدوار است راه استاد را شاگردانش ادامه ندهند. حسین آبادیان پژوهشگر تاریخ دو مقاله تحقیقی در زمینه تاریخ نگاری و تاریخ نگری باستانی پاریزی منتشر نموده است. آبادیان (۲۰۱۵ م/ ۱۳۹۴) در مقاله تاریخ نگاری و تاریخ نگری باستانی پاریزی در مجله ایران نامه، بیشتر به بحث تاریخ نگری و فلسفه نظری تاریخ پرداخته و از این دیدگاه تاریخ نگری و در برخی موارد تاریخ نگاری باستانی پاریزی را تبیین و تحلیل نموده است که هیچ هم پوشانی از لحاظ محتوایی با مقاله حاضر ندارد. چون در مقاله حاضر بحث تاریخ نگری مدنظر نمی‌باشد. آبادیان در مقاله جدیدترش (۱۴۰۱) با عنوان مبانی فرهنگی انجمن ایرانی تاریخ، مباحث مقاله قبلی خود در باستانی پاریزی در مجله مطالعات تاریخ فرهنگی انجمن ایرانی تاریخ، مباحث مقاله قبلی خود در زمینه تاریخ نگری و تاریخ نگاری را ادامه داده و در قالب عنوان‌های فرعی و تازه‌تری چون روش تاریخ نگاری باستانی؛ باستانی و تاریخ اجتماعی؛ باستانی و تحولات تاریخی؛ محیط و تاریخ نگاری باستانی؛ باستانی، منطق و تاریخ نگاری، تبیین و تحلیل کرده است که بیشتر بر اساس همان چارچوب و محتوای مقاله قبلی بوده است. مطالب این مقاله نیز با مقاله حاضر فرق دارد چون در مقاله حاضر سعی شده است تا حد امکان از رویکردهای تاریخ نگاری باستانی پاریزی که کمتر مدنظر محققین بوده، بررسی گردد.

محمد علی رنجبر (۱۳۹۵) در مقاله «پارادایم شناسی تاریخ نگاری باستانی پاریزی» در مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، به بحث هستی‌شناسی تاریخی و معرفت‌شناسی تاریخی با استناد به کتب تاریخی باستانی پاریزی می‌پردازد و در ادامه به روش‌شناسی و روش تحقیق با استناد به نوشتار باستانی پاریزی می‌پردازد که با محتوای مقاله حاضر فرق دارد، به خصوص قسمت هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اصلاً مدنظر پژوهش حاضر نیست. در بحث روش تاریخ نگاری نیز با مقاله حاضر فرق دارد چون بحث فلسفه روش‌شناسی مدنظر مقاله حاضر نبوده است و سعی شده به جنبه‌های از روش تاریخ نگاری باستانی پاریزی پرداخته شود که در پژوهش‌های قبلی کمتر توجه شده است و دانش تاریخ نگاری نوین منعکس شده در نوشتار باستانی پاریزی، مدنظر مقاله حاضر است.

نویسندگانی چون کاوه بیات (۱۳۹۳) در مقاله «باستانی پاریزی، شاعر لحظه‌های تاریخی» در نشریه جهان کتاب؛ گوئل کهن (۱۳۹۳) در مقاله «فراخ نگری و انگیزه پروری باستانی پاریزی: نگرش سیستمی در تاریخ نگاری» در مجله بخارا؛

محمد شیخ و یعقوب فولادی (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیلی برسبک نگارش باستانی پاریزی در پانویس‌هایش» در مجله بهار ادب؛ محمد رضا معصومی و محسن محجوبی (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی برخی لغات و اصطلاحات محلی کرمان و پاریز در آثار محمد ابراهیم باستانی پاریزی» در فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین؛ حمیرا مددی و عزت زینلی‌پور (۱۳۹۹) در مقاله «شگردهای خاص نویسندگی محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پژوهش‌های تاریخی» در مجله بهار ادب؛ زهره رضایی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «نگاه تحلیلی به جایگاه مخاطب عام در تاریخ نگاری باستانی پاریزی» در مجله تاریخ نگاری و تاریخ نگری الزهراء و شکوفه بخشایی شهر بابکی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «بررسی برخی مولفه‌های تاریخ نگاری محلی در آثار باستانی پاریزی» در مجله تاریخ نامه ایران بعد از اسلام دانشگاه تبریز، گونه‌های از تاریخ نگاری باستانی پاریزی را بررسی نموده‌اند ولی موضوعات آنها با مباحث مقاله حاضر متفاوت است، لذا فقط به آنها اشاره شده است. در این پژوهش ضمن بازگویی ابعاد دیگر تاریخ نگاری باستانی پاریزی، به منش و رفتاری که مورخ باید در برخورد با وقایع تاریخی داشته باشد و باستانی پاریزی داشت، توجه شده است.

۱- تاریخ محلی از منظر باستانی پاریزی

در باب اهمیت تاریخ محلی و اینکه چرا باستانی پاریزی بیشتر درباره تاریخ کرمان کار کرد؛ یک دلیل آشکار آن، علاقه‌اش به منطقه‌ای است که در آن پرورش یافته است. اما علت اصلی آن از لحاظ علمی، توجه به موضوعات خُرد و ریزی است که در تواریخ عمومی بدان اهمیت داده نشده است ولی در بینش تاریخ نگاری باستانی پاریزی به آن توجه شده است. باستانی پاریزی درباره تواریخ محلی می‌نویسد:

«اشکالی که این روزها در مورد کار اهل تاریخ پیش اومده، آنست که چون اخیراً به احوال اجتماعی و اقتصاد تاریخ کشورها توجه بیشتر معطوف شده است، در امهات کتب تاریخی قدیم، درباره چنین موضوعاتی، مطلبی که در خور توجه باشد، گاهی دیده نمی‌شود

مثلاً غیرممکن است که کل کتاب ابن اثیر یا ابن خلدون را زیرو رو کنیم، و رقم ببندیم و جمع و خرجها را تفریغ کنیم واما به بودجه‌ای برسیم که صرفاً در جمع و خرج سرزمین سیستان بوده است آن نیز هزار سال پیش، آنجا که می‌گوید ... و اندر هرسال، صد بنده بخیردندی از پانصد درهم تا چهارصد درهم و آزاد کردند نر و ماده هریک چندانک بهاء او بودی...» (باستانی پاریزی، مقدمه کتاب تاریخ دلگشای اوز، ۱۳۷۰: ۱۷)

به نظر باستانی پاریزی، از همین دو جمله می‌توان مسائل اجتماعی دریافت و نکاتی از تاریخ استخراج کرد. زیرا به نظر ایشان تواریخ بزرگ و عمومی، شرح جنگها، کشور گشایی‌ها، خصوصیات زندگانی رجال، وزراء و پادشاهان و مناسبات آنها با دول خارجی را به تفصیل دارند، ولی از جزئیات زندگی مردم، خصوصاً مردم ولایات بی‌خبر هستند. (باستانی پاریزی، مقدمه کتاب تاریخ دلگشای اوز، ۱۳۷۰: ۱۷)

وی به محققین درباره اهمیت تواریخ محلی این گونه توصیه می‌کند: «اهل تاریخ ما، نویسندگان و محققین داخلی و خارجی در مورد تدوین تاریخ اجتماعی ایران، ازکتب محلی غافل نباشند و هر چند بی‌اهمیت باشد، بدان با دیده اعتناء نگرند...». (باستانی پاریزی، مقدمه کتاب تاریخ دلگشای اوز، ۱۳۷۰: ۲۰)

از نکات پر اهمیت در تاریخ نگاری محلی، استفاده از لغات، فولکلور، افسانه‌ها و ضرب‌المثل‌های محلی است که باستانی پاریزی در این زمینه بسیار موفق بوده است. باستانی پاریزی به خوبی واقف بود که بعد از چند نسل این فرهنگ عامه محلی از بین خواهد رفت و بهترین روش برای حفظ آن، ثبت آنها به وسیله قلم و آوردن بر روی کاغذ است. بدون تردید، ادبیات رسمی در هر کشوری از سرچشمه‌ای غنی به نام فرهنگ بومی و عامه مایه می‌گیرد و خواه ناخواه از آن تأثیر می‌پذیرد. آثار ادبی، حتی تاریخی کشور ما نیز از این قاعده پیروی می‌کند؛ با این تفاوت که وسعت گونه‌های قومی، تفاوت‌های فرهنگی و اختلافات زبانی به تنوع تأثیرپذیری آن‌ها افزوده است. (معصومی و محجوبی، ۱۳۹۸: ۱۱۰) لذا باستانی پاریزی با اهمیت دادن به تواریخ محلی و مطالب ریز و خردی که برای روشن شدن نکات تاریک یک برهه از تاریخ اهمیت دارد، به تاریخ نگاری ایران کمک بسیاری کرده است.

۲- باستانی پاریزی و تحلیل نواز روایت‌های تاریخی

مورخین در طول تاریخ، هریک تحلیلی از وقایع تاریخی داشتند و افرادی که سبک خاصی داشته باشند، اندک بودند و آن تعداد اندک هم روش‌هایشان، بارها و بارها مورد استفاده مورخین بعدی قرار گرفته و از تحلیل‌های آنان استفاده نموده‌اند. در این باره، باستانی پاریزی معتقد است:

«... اگر آدم، گفته‌ها و نوشته‌های دیگران را پشت سر هم آورد و کتابی چاپ زد، نشخوار تاریخی کرده است. اما اگر براساس گفته‌ها و نظریات دیگران، یک نظر و یک موضوع تازه را عنوان کرد، یعنی ساخت و تعویل داد، آن وقت تحقیق تاریخی کرده است. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱ الف: ۴۷۸)

باستانی مورخ را طیب اجتماعی می‌داند که برخلاف طیب با گذشت روزگار، اشتباهش فراموش نمی‌شود بلکه روشن و آشکار می‌گردد». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ ج: ۱۶۴)

باستانی پاریزی، در تاریخ نگاری خود همواره تحلیل تازه دارد و با کمک روایات مکتوب و شفاهی، حوادث تاریخی را تشریح و تحلیل می‌کند. باستانی پاریزی از روایات شفاهی در تحلیل تاریخی به خوبی استفاده می‌کند مثلاً درباره خسرو پرویز چنین تحلیل می‌کند؛ گفته‌اند «خسرو پرویز از بوی دباغی بدش می‌آمد و می‌گفت: نامه‌ای که برایش می‌فرستند، باید روی پوستی باشد که به بوی گلاب و زعفران آغشته باشد...» در ادامه می‌نویسد: «...در نتیجه این روش، فلان چوپان و پيله‌وری که مورد اجحاف قرار گرفته، دستش هیچ وقت به شاه نمی‌رسید و شاه هرگز نامه‌اش را نمی‌خواند و کار به فاصله افتادن میان مردم و حکومت کشید و شد آنچه شد». (دعایی، ۱۳۹۳ الف: ۳۹۸) درباره قتل بابک به دستور معتصم، نکته‌ای در باب زبان قدیم آذربایجان بیان می‌کند:

«به دستور معتصم، جلاد بابک، دست بابک را با یک ضربت شمشیر قطع کرد. بابک بعد از قطع دستش... عبارت کوتاه را بیان کرد، او گفت: [آسانیا] یعنی آسان است و سهل است و ساده است و اهمیتی ندارد، تقریباً مشابه عبارت امروزی [این نیز بگذرد]. در اینجا علاوه بر اینکه به میزان تسلط بابک بر نفس خویش و میزان قدرت اراده و تسلیم او آگاه می‌شویم، یک نکته دیگر دستگیرمان می‌شود و آن اینکه در آن روزگار، یعنی درست یک‌هزار و هفتاد و هشتادسال پیش، مردی که از دهات اردبیل (بذ) برخاسته بود، فارسی حرف می‌زد، جایی که امروز حتی شهرهای آن نیز به زحمت فارسی می‌فهمند. این دلیل بر آن است که در آن روزگار زبان این نواحی عموماً فارسی بوده است و گر نه جناب بابک یا می‌بایست مثل مستعرب‌ها و فضلا‌ی آن روزی فی المثل بگوید: [لا یوبه و ما اعنی به] و یا اینکه مثل همشهری‌های امروزش فریاد بزنند: [مهمه یو خدور یا آسون وار]». (باستانی پاریزی، ۱۴۰۰: ۶۸) باستانی پاریزی با این طرز بیان ساده، به راحتی خواننده را مجاب می‌کند که زبان اذری قدیم، ترکی فعلی نبوده است.

۳- باستانی پاریزی در نقش یک منتقد اجتماعی

منتقد اجتماعی، فردی است که درد مردم دارد و به مشکلات هر طیفی، از مردم می‌پردازد. نگاه او به جهان هستی همانند گروه‌های از جامعه نبود که با متوسل شدن به ابزارهای مادی یا فرهنگی از مردم برای خود پله‌ای درست کنند و به جایگاهی که آرزو آن را در دل دارد برسند. انسانی مانند باستانی پاریزی، درد مردم داشت. به اخبار و اتفاقاتی که در کشور و برای مردم رخ می‌داد، بی‌تفاوت نبود.

از تصمیم‌گیری‌های مسئولینی که چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، به وسیله رابطه یا ضابطه کرسی به دست آورده بودند و با اولویت دادن به خواسته‌های خود، برای هم نوعان و کشور خود مشکلاتی بوجود می‌آوردند، انتقاد می‌کرد.

وی با نقد رفتارهای آنها و ارائه پیشنهادهای کاربردی در جامعه خود، همچون منتقدی اجتماعی در جامعه خود ایفای نقش می‌کرد. پیشنهادهای مانند: جابجایی پایتخت ایران در مقاله «مرکز ایران، شمیران است نه تهران»؛ یا حمایت از عشایر، صنعت دامداری، حفظ بهتر محیط زیست و تأمین گوشت قرمز برای مردم در نوشته «رادیو ترانزیستوری جای گوسفند»؛ یا دادداشت «آب و نان تهران»، درباره مشکلات اقتصادی مردم در شهر تهران (باستانی پاریزی، ۱۳۹۰: صص ۱۲۰-۸۴ و ۱۴۶)، منعکس‌کننده انتقاد باستانی برای اصلاح وضع موجود بود.

توجه به ذخایر معنوی جامعه یکی از دغدغه‌های مهم منتقد اجتماعی است. دانشمندان، گنجینه‌های معنوی کشور هستند. باستانی پاریزی وقتی فرهیخته‌ای از کشور خود را می‌دید که مورد بی‌مهری قرار گرفته است، با آنکه دل خوشی از سیاست نداشت، با قلم خود، عکس‌المعل نشان می‌داد. نمونه‌اش نوشته‌های که در حمایت از دکتر ریاحی، دکتر گنجی و دکتر سید حسین نصر انتشار داد. (دعایی، ۱۳۹۳: ب: ۳۹۹؛ دعایی، ۱۳۹۳: الف: ۱۵۵-۱۵۴) نگاه اصلاحی باستانی پاریزی نسبت به مسائل مختلف جامعه در آثارش به وفور دیده می‌شود. در زمینه کم‌توجهی به علم و اساتید بزرگ در دانشگاه و فرار مغزها، جذب استاد در دانشگاه تهران و کم‌توجهی به حقوق و سخت‌گیری در رتبه‌استادان، مباحث شیرین و جذابی با روایت تاریخی می‌آورد و در نهایت کم‌توجهی دولت وقت را عامل مهاجرت نخبگان می‌داند. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۱: ۵۱۶-۴۹۸)

در بحث اینکه چرا مشروطه در ایران پا نگرفت؟ یک بحث آگاهانه و روشنگرانه‌ای را مطرح می‌کند و اینکه نظام دموکراسی، سرنوشت خود را به دست اهل سیاست سپرد (باستانی پاریزی، ۱۳۹۱: ۴۸۱) و بجای اینکه تکنیک و دموکراسی وارد جامعه و مردم بشود، در سربازخانه‌ها جا خوش کرد و به همین دلیل امروزه گرانترین بها را برای تکنیک و علم و فن غرب می‌پردازیم. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۱: ۴۸۲) وی معتقد است، حکومت را باید به سمت عقل سوق داد و این عقل می‌تواند کم‌کم اساس عدل شود. (همان: ۴۷۷) در زمینه دموکراسی معتقد است، اول باید مردم را آگاه کرد تا خود را بشناسند، آن وقت از آنان توقع رأی داشت. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۱: ۴۷۸) در زمینه انتخابات دموکراسی و رأی عامه مردم در انتخابات، ایراد منطقی می‌گیرد و معتقد است که با این کار حکومت از دست اهل نظر، علم و اخلاق خارج می‌شود و مذهب ناحق، خیلی ساده به صورت مذهب حق تغییر شکل می‌یابد. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۱: ۴۷۰-۴۶۹) باستانی پاریزی با آوردن حکایت مختلف تاریخی، علم بدون ایمان و همراه با مادیات و پول را مایه گمراهی می‌داند و علت آن را انقطاع فرهنگی معرفی می‌کند و از علم و عالم با ایمان دفاع می‌کند. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۱: ۴۵۲-۴۴۵) از این موارد تفکر اصلاحی در آثار باستانی پاریزی بسیار است.

۴- تأثیر عوامل محیطی بر وقایع تاریخی در تاریخ نگاری باستانی پاریزی

اگر دو ضلع تاریخ را انسان و زمان در نظر بگیریم، ضلع سوم آن، جغرافیا یا محیطی است که وقایع تاریخی در آن اتفاق می‌افتد. باستانی پاریزی به دلیل اهمیت نقش جغرافیا در تاریخ، سعی کرد کتاب‌هایش با نقشه همراه باشد و در این زمینه می‌نویسد: «این کاری است که در ایران چندان باب نبوده و کتب من از این حیث شاید جزء پیشقدم‌ها باشد». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ ج: ۱۸۷) در زمینه تأثیر علم جغرافیا بر حوادث تاریخی می‌نویسد: «به هر حال سرنوشت تاریخ را جغرافیا تعیین می‌کند و به عبارت دیگر، حوادث تاریخی در رختخواب و بستر جغرافیا نطفه‌گیری می‌شوند». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ ج: ۱۹۰) به نظر وی میان تاریخ و جغرافیا، یک ارتباط عمل و عکس‌العمل است و هر دو در هم تأثیر می‌گذارند. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ ج: ۲۰۰)

او حتی کتابی به نام (ماه و خورشید و فلک) در تأثیرات محیطی به نگارش در آورده و در نوشته‌های خود از این اضلاع مهم تاریخی بهره فراوان برده است. زیرا «نگاه به محیط و جغرافیا و وضع خاص آب و هوا و چگونگی آن در تعیین سرشت آدمیان و نقش زدن در اندیشه باستانی جایگاه ویژه دارد». (شاه ملکی، ۱۳۹۸: ۶۰) او با تحلیل این که «.... ریشه حوادث تاریخی را در حوادث جوی پیدا کرد» (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱ ب: ۱۱۴)، در کتاب خود از نقش طبیعت صحبت کرده و چنین می‌نویسد:

«در طول تاریخ، طبیعت، کم و بیش سد راه پیشرفت فاتحان و جهان طلبان بوده است. بسا سرما که سپاه‌یانی مثل سپاه خوارزمشاه را در اسد آباد از پا انداخت و بسا گرما و تشنگی که سربازان کمبوجیه و اسکندر را در زیر ریگ‌های آمون و جیرفت و گدروزیا دفن کرد و بسا سیلاب‌ها که لشکرها را برد و آذوقه‌ها را نابود کرده و پایگاه‌های نظامی را زیر و زبر کرد. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱ ب: ۱۳۸) همچنین در کتاب کوچه هفت‌پیچ، از دوگلاس منجم امریکایی، درباره تأثیر مسائل جوی بر تاریخ چنین می‌آورد: «تحولات تاریخی و انقلابات عالم، نتیجه پیدایش لکه‌های خورشید است». همین مطلب را با کمک روایت ظریف و تاریخی طوری تشریح می‌کند که به سادگی خواننده از نقش مکان و جغرافیا در تحولات تاریخی، مطلع می‌گردد». (باستانی پاریزی، ۱۳۷۱ ج: ۱۶-۱۵) توجه به نکات ریز مانند تأثیر حوادث جوی بر روند وقایع تاریخی و استفاده به موقع از شاخه‌های کمکی علم تاریخ، سبب تحلیل‌های جذاب و شیرین از سوی باستانی پاریزی در تبیین و تحلیل روایت‌های تاریخی گردید و این کار، باستانی پاریزی را از سایر همکارانش متمایز کرد.

۵- نگاه خاکستری به افراد در تاریخ نگاری باستانی پاریزی

نگاه به شخصیت‌های تاریخی در بیشتر جوامع انسانی همراه با بغض و عناد بوده است. یکی از معضلات تاریخ‌نویسی نگرش به بعضی از شخصیت‌های تاریخی به عنوان چهره سیاه یا سفید یا شیطان و قدیس است که قدمت طولانی دارد. این گونه نگرش به افراد دارای انگیزه و علل متعددی است، از جمله می‌تواند به دلیل ایدئولوژیک، وابستگی به گروه‌های خاص سیاسی، فکری، فرهنگی و غیره باشد. ولی نگاه باستانی پاریزی، به شخصیت‌های تاریخی، صرفاً نگاه سفید و سیاه نیست، او برای شناخت بهتر افراد در تاریخ از نگاه خاکستری سود می‌جست. باستانی پاریزی با استناد به منابع تاریخی و بدون حب و بغض در مورد شخصیت‌ها صحبت می‌کند. در اینجا به دو نمونه نگاه خاکستری باستانی پاریزی، در مواجهه با شخصیت‌های تاریخی استناد می‌کنیم. در مورد عباس میرزا قاجار با نگاه خاکستری چنین روایتی می‌آورد:



«مطلب آن است که عباس میرزا بیمار بود و اطبا گفته بودند خطر مرگ در پیش است، قائم مقام خواسته بود سفر او را به خراسان به تعویق اندازد...، قائم مقام چون فهمید مریضی نایب السلطنه را به شاه پنهانی پیام داد که حال شازده خوب نیست و احتمال مرگ است و برای سلامتی سفر را به وقت دیگری بیندازد و چون شازده فهمید ... برقائم مقام خشم گرفت و سر و مغز او را با صدمت مشت به هم کوفت و راه خراسان در پیش داشت». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ الف: ۱۱۲-۱۱۰) نگاه به عباس میرزا در تاریخ ایران نسبت به دیگر شاهزادگان قاجار نگاه مثبتی است اما باستانی پاریزی، با دید خاکستری از رفتارهای او در کتب تاریخی تفحص می‌کند. این نگاه باستانی پاریزی، دریچه‌ای به چشمان هر مورخ حقیقت‌طلب باز می‌کند که در قضاوت‌ها و تحلیل‌های تاریخی به نقش مؤثر و مهم تر افراد توجه کنند و در نتیجه باعث قضاوت بهتری نسبت به شخصیت‌های تاریخی شوند. همچنین درباره پادشاه اصلاح‌گری چون یزدگرد چنین می‌نویسد: «در تاریخ ایران هم هرگاه کسی دست به اصلاحاتی زد، مورد حمله قرار گرفت. بیشتر اینان دچار تکفیر شده‌اند». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۲: ۱۵۴) نگاه به این پادشاهان همیشه منفور بوده، شاید آنان در پی اصلاحاتی در جامعه خود برای آسایش مردم فرو دست بوده‌اند که به وسیله روحانیون، درباریان و شاهزادگان انگ بددینی خوردند. لذا باستانی پاریزی با نگاه خاکستری به افراد از قضاوت عجولانه در مورد شخصیت آنها خودداری می‌کرد.

۶- سبک نگارش تاریخ نگاری باستانی پاریزی

یکی از دلایل ارتباط کم توده مردم با جامعه دانشگاهی، عدم نگارش کتب دانشگاهی با نثر ساده و روان به ویژه در حوزه علوم انسانی و در ارتباط با جامعه است. وقتی قشر دانشگاهی کتاب را صرفاً برای چاپ در مجامع علمی و به دست آوردن رتبه دانشگاهی تألیف می‌کنند، اقشار عامه جامعه، نمی‌توانند پیوندی با جامعه دانشگاهی برقرار کنند. باستانی پاریزی، در توجیه سبک تاریخ اجتماعی خود می‌نویسد:

«گویا نایب اسدالله نی زن معروف بی نظیر قرن اخیر که برای پادشاهان نی می زد، گفته است: من نی را از آغل گوسفندان به دربار پادشاهان بردم! مخلص می خواهم، برخلاف نایب، در مورد تاریخ بگویم که همه جا کوشش کرده ام، تاریخ را، از دربار پادشاه به میان آغل گوسفندان ببرم. زیرا، نگارش تاریخ اجتماعی ممکن نیست، مگر اینکه تاریخ از برج عاج کاخ پادشاهان، به خانه گلی و چپرهای سیاه چادرهای عشایری این مملکت نقل مکان دهد، شاید در آن صورت، تاریخ نگاری ما راهی به دهی ببرد». (باستانی پاریزی، ۱۳۶۸: ۱۱) او در جایی از قول نهرو می نویسد:

«امید دارم تاریخ نویسانی که اسناد و مدارک تاریخی را جمع آوری می کنند یا مقالات و رسالات و کتاب هایی در این زمینه می نویسند، دو موضوع را مد نظر داشته باشند: یکی اینکه همواره برای همکاران و هم قلمان تاریخ نویسند، زیرا مردم دیگری هم خارج از حدود و گروه ایشان هستند که می خواهند و باید با تاریخ مربوط شوند ... بعضی ها تصور می کنند که اگر مطالب خود را به شکلی بنویسند که همه کس بفهمد از آنچه لازمه عالمان و محققان است منحرف خواهند شد، به نظر من هیچ تضادی میان دانشمند بودن واقعی و طرز بیان عامیانه سهل الفهم وجود ندارد». (باستانی پاریزی، ۱۳۶۹: ۸۸-۷۸) باستانی پاریزی با شمه انتقادی و با نگاه از بیرون به درون دانشگاه، یکی از دلایل کتاب خوان نشدن توده مردم را، حرف نزدن با زبان عامیانه آنها می داند.

باستانی پاریزی با بحث جزئیات تاریخی، توانست به قول خودش هم مردم را وارد تاریخ کند و هم تاریخ را به میان مردم ببرد. به نوعی تاریخ را برای مردم می خواست نه مردم را برای تاریخ. شناخت این مردم و جزئیات را درس اول تاریخ می دانست. (باستانی پاریزی، ج ۱۳۹۳: ۴۴۹-۴۴۸) وی مورخ را یک طبیب اجتماعی می داند که در پی کشف علل بیماری جوامع است. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ ج: ۱۶) باستانی پاریزی با آنکه به داستان و روایت شفاهی توجه دارد ولی رعایت امانت و اعتدال در نگارش آنها را تأکید دارد، به همین دلیل در جایی درباره دو تن از مترجمان داستان های تاریخی، چنین می نویسد: «به طور کلی، عقیده من در مورد مرحوم آقای ذبیح الله منصوری و مرحوم مستعان این است که آن دو از پدیده های عجیب نویسندگی در تاریخ به شمار می روند». (فیضی، ۱۳۹۲: ۷۳۳)

درجایی دیگر در مورد ذبیح الله منصوری می‌نویسد: «من هیچوقت نمی‌توانم از نوشته‌های منصوری به عنوان یک سند تاریخی در نوشته‌های خودم استفاده کنم». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۵: الف: ۲۴۲) به همین دلیل او تصمیم می‌گیرد، سبک جدیدی را به وجود بیاورد. باستانی پاریزی قواعد تاریخ نگاری اثبات‌گرایانه را چندان رعایت نمی‌کند، چون بسیاری از نثرهایش حاصل تراوشات فکری خودش است. بخاطر همین ارجاع به منبع در درون متن کمتر دارد و از روایت‌های شفاهی، ادبی و غیر رسمی هم بهره می‌برد. باستانی پاریزی در مواردی آن چنان از متدنگارش رسمی دور می‌شود که برخی او را به داستان نویسی متهم می‌کنند. (رنجبر، ۱۳۹۵: ۶) البته، باستانی پاریزی در کتاب «خودمشت مالی»، چگونگی نگارش تاریخ و روش استناد و نقد داده‌های تاریخی را با کمک حکایت تاریخی و حتی نقد نوشته‌های خود، بررسی و تبیین نموده است (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳: ج)، که بیانگر تلاش وی در نگارش و ترویج تاریخ علمی است. باستانی پاریزی در نگارش تاریخ معتقد بود، تاریخ را باید طوری نوشت که جای اظهار نظرهای دیگران و تصحیح آن همیشه محفوظ باشد (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳: ج: ۱۴۴) و مورخ باید کوشش کند تا یک حقیقت و واقعیت را روشن سازد. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳: ج: ۱۵۸)

در سبک نویسندگی باستانی پاریزی به عنوان یک ادیب مورخ، چیزی که خیلی به چشم می‌آید، پاورقی کتاب‌هایش است. او برخلاف رویه مورخین معاصرش، از پاورقی و پانویس زیاد استفاده نموده است. در واقع رابطه بین پاورقی در نثر باستانی پاریزی با متن اصلی، رابطه‌ای تنگاتنگ است. به طوری که وقتی خواننده در حین مطالعه به علامت پاورقی می‌رسد، از آن رد نمی‌شود، بلکه به آن رجوع کرده و آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. زیرا مطالب پاورقی، تکمیل کننده بحث و به فهم مطالعه کننده از متن کمک می‌کند. (شیخ و فولادی، ۱۳۹۶: ۱۶۲) فرجام سخن اینکه، باستانی سبک خاص خود را داشت و به قولش، سبک وی قابل تقلید نیست. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳: ج: ۴۸۸)

۷- نویسنندگان غربی در منظر باستانی پاریزی

به حکومت رسیدن شاه اسماعیل اول صفوی و تأسیس سلسله قدرتمند و یکپارچه صفویه در ایران و تداوم رشد تجاری در دوره‌های بعد به‌خصوص توسط شاه عباس اول صفوی و گرفتن مالیات‌های سنگین دولت عثمانی از کاروان‌های تجاری اروپاییان و پیدا کردن راهی برای دورزدن این عوارض گمرکی و دشمنی و جنگ اروپاییان با امپراتوری عثمانی، باعث شد که آنان توجه بیشتری به ایران و دولت صفوی داشته باشند و در صدد رابطه تجاری با آنها برآمدند. در دوره‌های بعد، با خوانده شدن کتیبه‌های هخامنشی و ترجمه کتاب مقدس زرتشتیان (اوستا)، به‌خصوص بعد از چاپ خاطرات شاردن در اروپا، کنجکاوای آنان نسبت به ایران بیشتر شد و برای آشنایی بیشتر با فرهنگ و آداب و رسوم ایران و کشف توانایی‌ها و فرصت‌های بالقوه ایران به صورت هیأت‌های نظیر سیاحان، سفیران خارجی، تجار و مبلغین مذهبی و جاسوسان به ایران آمدند و نوشته‌های از خود برجای گذاشتند. باستانی پاریزی در زمینه کتاب‌ها و نوشته‌های نویسندگان خارجی در «حضورستان» چنین می‌نویسد:

گاهی بعضی اشارات نیز می‌شود که اشخاصی به لباس‌های گوناگون در جامعه مستشرقین حرکات و رفتاری می‌کنند، مورد ایراد یا تردید است و نقطه ضعف به شمار می‌آید... درس تاریخ اگر هیچ چیز به ما ندهد، باید سماحت و بی نظری و بی غرضی و واقع بینی و عدالت را به ما بیاموزد و در ما ملکه کند، عدالت و بی غرضی‌ای که حق هیچ کس را در هیچ جا ولو از دشمنان ما باشد یا مورد علاقه ما نباشد، فراموش نکنیم و هیچ وجه از قلم نیندازیم. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۷: ۸۰) نگاه مثبت باستانی پاریزی به بیشتر مستشرقین از نگاه خاکستری او به افراد در وقایع تاریخی سرچشمه می‌گیرد و به معنی چشم‌پوشی از رفتارهای زننده و ناخوشایند بعضی از آنان نیست. وی منتقد سرسخت افرادی مانند مادام دیولا فوآ و همسرش می‌باشد و در جای خودش ضعف‌های آنان را بر ملا کرده و گوشزد می‌نماید. در کل نگاه او معطوف به افراد بی غرضی هست که بدون هیچ چشم داشتی، آثار تاریخی و فرهنگی ایران را از گزند حوادث روزگار حفظ کرده‌اند. او در جایی در این باره چنین توضیح می‌دهد:

«عرض شود که من چندان به زبان‌های خارجی مسلط نیستم و بالتیجه همه آثار خاور شناسان را نخوانده‌ام، اما آنچه را ترجمه آثار آنها دیده‌ام، برایم پرارزش بوده است و عقیده دارم که بسیاری از مسائل تاریخ ما را اگر خاور شناسان تحقیق یا تحریر نکرده بودند، آن مسائل هنوز در بوته اجمال مانده بود...^۱ (باستانی پاریزی، ۱۳۷۷: ۷۶-۷۷) لذا به نکات مثبت خاورشناسان هم توجه دارد و یک طرفه قضاوت نمی‌کند.

۸- باستانی پاریزی و نویسندگان معاصر

باستانی پاریزی، به دلیل سبک ویژه خود همیشه مورد سؤال برخی از نویسندگان دانشگاهی قرار داشت و درصدد پاسخ‌گویی علمی به آنان بر می‌آمد. آنان در پی این بودند، هر کجا باستانی پاریزی در نوشته‌های خود از روش‌های علمی تاریخ نگاری تخطی کرد، از او ایراد گرفته و گوش زد کنند. ولی باستانی پاریزی هدف و رسالت دیگری برای خود قائل بود و راه دشواری هم در اجرای آن داشت. دغدغه بزرگ او اهمیت دادن به تاریخ و افراد گمنام بود. او به عینه می‌دید که توده مردم، حتی فرمانروایان دوران معاصر خود را نمی‌توانند به ترتیب سنوات آنان ذکر کنند. دغدغه دیگرش، آفت بی سوادی و اهل مطالعه نبودن توده‌های مردم بود که باستانی پاریزی را بر آن داشت، مردم را به موضوعات و مباحث تاریخی ترغیب کند تا عطش دانستن وقایع تاریخی را داشته باشند. زیرا گذاشتن بعضی از روش‌های تاریخ نگاری باعث شد، یکی از شاگردانش با نگاه تند به انتقاد او پرداخته و در این زمینه چنین نوشته است:

۱. در ادامه باستانی می‌نویسد: «... چون نمی‌خواهم خیالی و هوایی حرف زده باشم، از دو سه مورد که شخصاً در آن وارد و دخیل بوده‌ام یاد می‌کنم، شاهد صادق را از تاریخ کرمان می‌آورم، ما یک تاریخ در باب کرمان داشته‌ایم به نام بدایع الزمان، از این کتاب یک نسخه در دوره صفوی بوده که میرزا محمد ابراهیم خبیسی آن را رو نویس کرده بود، این نسخه بعدها به کتابخانه برلن انتقال یافته است، کتاب مربوط به قرن ششم هجری (هشتصد سال پیش) است، ... یکی از مستشرقان فرنگی مرحوم هوتسما صد سال پیش آن را چاپ کرده است، ... اصل خطی آن امروز وجود ندارد ... اگر آن کتاب را در اروپا چاپ نکرده بود، امروز ما یکی از ده پانزده کتابی که از دوران پیش از مغول برایمان مانده است، دیگر در دسترس نداشتیم... دیگر من صحبت از ترجمه دینکرد توسط پیر دو مناش با همکاری احمد تفضلی، یا خواندن کتیبه‌های بیستون، یا ترجمه و چاپ شاهنامه یا تحقیقات تاریخی مهم آنها مثل نولدکه و کریستین سن در باب ساسانیان نمی‌کنم». (باستانی پاریزی، ۱۳۷۷: ۷۷)

می‌توان گفت آقای باستانی، علیرغم زحمت زیاد و آثار فراوان نتوانسته است گامی در پیشبرد تاریخ‌نگاری این سامان بردارد. نگارنده امید دارد راه باستانی ادامه نیابد و شاگردان استاد، برخلاف وی، قبل از اینکه، نگران نظر مردم نسبت به خود باشند، نگران سرنوشت آنان باشند. (فصیحی، ۱۳۷۷: ۲۷۹)

باستانی پاریزی در یکی از کتاب‌هایش، با زیرکی جواب همین منتقد را با عبارت کوتاه، راه باستانی بن بست است، می‌دهد. (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ ج: ۴۵۴) همین عبارت کوتاه حاوی اشارات بسیاری است. برخی به باستانی پاریزی انتقاد می‌کردند که روش‌های او علمی نیست بلکه نوعی وقایع‌نگاری و بیان روایت عامیانه است. وی در جواب آنها این چنین می‌نویسد:

«انتقاد اهل نظر در مورد نوشته‌های من گو صادق است؛ شیوه من که گاهی با افسانه واساطیر آمیخته است نمی‌تواند صد در صد علمی باشد، ولی از شما می‌پرسم، کدام روش تاریخ‌نگاری را شما علمی می‌دانید؟ دستمایه و خمیر مایه تحقیق تاریخی در بسیاری موارد اساطیر، قصص و افسانه‌هاست و تازه آن حوادث که ما تصور می‌کنیم صد درصد واقعیت داشته باشد خودش یک پا زیر سؤال است... وقتی شما می‌خوانید که سال میلاد مسیح دو سال قبل یا یک سال بعد از میلاد مسیح است! یعنی یک رقمی را که تاریخ خواهد گفت که دو هزار سال است روی آن کار می‌شود و ستون فقرات تاریخ است، این طور مورد سؤال و تردید قرار می‌گیرد... اتفاقاً در مسائل اجتماعی و در جامعه‌شناسی و تاریخ اجتماعی یک ملت، یک ناحیه، بهترین همراهان و همقدمان و بهترین دلیلهای و مدرکها، گاهی همین افسانه‌ها و همین قصه‌ها هستند!». (رضوی، ۱۳۸۹: ۱۰) وی در کتاب حماسه کویر در زمینه روش نویسندگی خود این چنین بیان می‌کند:

«حقیقت این است که من هر روایتی را که می‌آورم قصد و غرض اثبات مطلب دیگری را دارم، بنابراین اگر با آن نسبتی پیدا کند، مقصود برآورده شده، در واقع قصد اثبات آن روایت نیست، مقصود شاهد مدعای دیگر است. علاوه بر آن چه می‌توان کرد؟ روایات ما همین است که هست و منابع ما همین‌ها هستند که راست و دروغ نوشته شده‌اند، من آنچه را که آورده‌ام از خود نساختم». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۳ الف: ۴۰) استفاده و ابزار کار قرار دادن همین روایات است که زرین کوب، نوشته‌های او را تاریخ علمی نمی‌داند و شبه تاریخ قلمداد می‌کند. (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۸۴) اذکایی هم، آثار

باستانی پاریزی، را از نوع روایی و نمکین و بدون تاریخ تحلیلی می‌داند. (اذکابی، ۱۳۸۴: ۸۴) ولی درمقابل این نظرات منتقدین، پژوهشگران دیگری به ستایش از نوشته‌های باستانی پاریزی می‌پردازند و حتی آن را نه تنها عیب بلکه هنر او می‌دانند. (اشراقی، ۱۳۹۳: ۴۰۵) محقق دیگری تاریخ نگاری باستانی پاریزی را با ادوارد کار، مورخ و نظریه پرداز معروف مقایسه می‌کند. (کهن، ۱۳۹۳: ۴۳۱) زریاب خویی، درباره سبک تاریخ نگاری باستانی پاریزی، این چنین نظر می‌دهد:

«تاریخ در نظر او امری طولی و زمانی نیست که حوادث در آن به دنبال هم در توالی با یکدیگر قرار گرفته باشد، در اندیشه او، زمان تبدیل به مکان و طول مبدل به عرض شده، در دسترس مردمی که مایه‌ای از سواد دارند گذاشته است». (زریاب خویی، به نقل از باستانی پاریزی، ۱۳۹۳: الف: ۳۵-۳۴) از انزوا بیرون کشیدن و در دسترس مخاطب عام قرار دادن یکی از ویژگی‌های مثبت تاریخ نگاری باستانی پاریزی هست و یکی از منتقد آثار وی خانم سیمین فصیحی، به این نکته پس از سال‌ها اذعان می‌دارد:

«درجایی خواندم که دریدا بحثی دارد با عنوان «حق به فلسفه» که در آن از حق دسترسی همگانی به فلسفه سخن می‌گوید، یعنی مردم حق دارند که فلسفه بدانند و تنها کسانی که صلاحیت دارند این حق را عمومی می‌کنند، فیلسوفانی هستند که از قضا استلزامات رشته فلسفه را می‌دانند ... خب من می‌خواهم با الهام از این عنوان از «حق به تاریخ» سخن بگویم و این را در مورد باستانی به کار ببرم اینکه می‌توانم بگویم که در بین مورخین معاصر، باستانی پاریزی تنها مورخ معاصر ایرانی است که زمینه ساز روشی از تاریخ نویسی شده است که با «حق به تاریخ» در انطباق است. او تاریخ را به خانه‌های مردم برده است و با زبان مردم تاریخ نوشته است». (شوهانی، مصاحبه با سیمین فصیحی، ۱۳۹۳، سایت فرهنگ امروز) برای همین است که پژوهشگر دیگری در مورد باستانی پاریزی می‌نویسد: «ذهن سیال مورخ، با در اختیار داشتن گنجینه‌ای از فاکت‌ها، رویدادها و وقایع تاریخی چنان به جا برمی‌گزیند و چنان به شیوایی و زیبایی کنارهم می‌چیند که خوانش ملال آور نیست، بلکه فرح بخش است». (رنجبر، ۱۳۹۵: ۱۴) باستانی پاریزی در جای دیگری به این پرسش پاسخ می‌دهد:

«اما اینکه می‌فرمایید من به نوشتن داستان‌های تاریخی روی آورده‌ام، نمی‌دانم چرا این تصور به ذهن شما وارد شده است! در جای نوشته‌ام که مورخان سایه نویسندگان رمانها و داستانهای تاریخی را به تیر می‌زنند و با این تعریف، گمان نکنم خود را در تیررس تیراندازان و طعنه تیرآوران تاریخ قرار داده باشم، البته حوادثی هست که افسانه بیشتر می‌ماند تا تاریخ و من از سر آنها نگذاشته‌ام، و این شاید درست باشد». (باستانی پاریزی، ۱۳۶۹: ۵۹) از دلایل اینکه باستانی پاریزی، چنین سبکی را در پیش می‌گیرد، می‌توان به ارتباط داشتن او با افرادی دانست که آثارشان به چاپ‌های متعدد رسید و مردم به دلیل سادگی نثر آنها، به آثارشان روی آوردند. افرادی مانند محمدعلی جمال زاده و صادق هدایت در داستان نویسی و ذبیح الله منصوری و حسینقلی مستعان در ترجمه رُمان‌های تاریخی. البته کسانی هم بودند که مطالعه آثارشان، باستانی پاریزی را مصمم‌تر می‌کرد، این راه سهل و ممتنع را ادامه دهد مانند مولانا جلال الدین محمد بلخی. اگر به شگردهای باستانی پاریزی، در آثارش توجه بیشتری شود، متوجه این تأثیرپذیری خواهید شد. لذت خواندن آثار به زبان ساده و دور از لغات مهجور و نثر سرد و سنگین، باعث شد که او در بزرگداشت ذبیح الله منصوری، چنین سخن گوید:

«حیف است یک کلمه و یک جمله از نوشته‌های منصوری کاست. این مطالب تکراری هست ولی به نسبت و براساس نوشته‌های سابق در مقاله موجود جزءاساس کار است و دریغ اگر روزی این یادداشت‌ها در نوشته منصوری نباشد.... ما اگر داستان و خاطرات و مشغولیات و اطلاعات و فرهنگ و آداب و رسوم می‌طلبیم همین‌ها و همین چیزهاست». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۵ الف: ۲۳۶) او در تعریف سبک منصوری چنین بیان می‌کند: «منصوری، مرد هزار کتاب، به هر حال در ادبیات ما صاحب سبک است. او راه و روشی انتخاب کرده که دیگران از پیمودن آن عاجزند و شاید تا قرن‌ها عاجز خواهند ماند». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۵ الف: ۲۴۷)

دقیقاً همین نظر را در رابطه با آثار خود او می‌توان حکم داد. از این روش که نگارش به زبان مردم و عامیانه می‌توان یاد کرد، تاریخ نگاران معروف خارجی نیز از استفاده کرده‌اند. یکی از این افراد، مورخ بزرگ آمریکایی باربارا تاکمن هست. شور و شوق او به سرگذشت‌ها و ماجراهای تاریخ، نوعی جاذبه رُمان به کارهای او می‌داد و پیوسته برخواندگانش می‌افزود. با این که از تاریخ‌نویسان نامی کشور بود و سال‌ها ریاست در انجمن مورخان امریکا و نیز فرهنگستان هنر و ادبیات امریکا را برعهده داشت،

برخلاف غالب مورخان دانشگاهی، در کارهای خود نیازی نمی‌دید که جزء جزء پژوهش‌هایش را عرضه دارد. به نظر او هدف مورخ، توجه خواننده است. وی می‌گوید: «...من می‌خواهم خواننده‌ام صفحه را که بر می‌گرداند به آخر برساند. این مقصود موقعی حاصل می‌شود که روایت روان پیش برود و فرسوده در بند تحقیق و زیر بار تفصیل به گل نشیند». (تاکمن، ۱۳۹۱، مقدمه کتاب: ۱۵) به همین دلیل یکی از پژوهشگران، درباره جایگاه سبک تاریخ نگاری باستانی پاریزی این چنین می‌نویسد:

«آثار باستانی پاریزی را باید با نگاه ویژه‌ای خواند. متأسفم که می‌گویم در اروپا این درک پیدا شده و در دانشگاه بُن آلمان دو واحد درسی برای خوانش ترجمه برخی آثار باستانی پاریزی اختصاص دادند، تا دانشجویان اروپایی روش و منش باستانی را بیاموزند. اول منش مهم است، بعد روش اهمیت پیدا می‌کند». (شاه‌ملکی، ۱۳۹۸: ۱۲) در اروپا نوعی از نگارش تاریخ جدید که به تاریخ جایگزین شهرت دارد، توسط عده‌ای از مورخین طرح شد. آن‌ها برای انتقال افکار، اندیشه‌ها و ارزش‌های خاص زمان گذشته به عموم یک جامعه، معتقد بودند، باید تاریخ در قالب‌هایی ارائه شود که فهم آن ساده، شیرین و جذاب باشد. (نورانی و رضایی، ۱۳۹۹: ۳۱۴) باستانی پاریزی در این زمینه مهارت داشت و به عبارتی، تاریخ جایگزین مدنظرش بود.

باستانی پاریزی استفاده از چاشنی در تاریخ نگاری خود برای بیان بهتر و شیرین تاریخ، استاد و چیره دست بود. به همین جهت درباره سبک نگارش ایران باستان مشیرالدوله این چنین قضاوت می‌کند:

«یک وقت در باب «ایران باستان»، من نوشته بودم، عیبی که بنده شخصاً در انشاء مشیرالدوله می‌بینم و گو اینکه از نظر تاریخ نویسی حُسن باشد، این است که مزه و چاشنی ندارد. گاهی آدم لازم است که از خستگی خواندن ماجرای طولانی کوروش و اسکندر خارج شود». (باستانی پاریزی، ۱۳۹۵: ۴۴؛ باستانی پاریزی، ۱۳۹۳: ب: ۱۶۱) لذا تمامی این تبیین‌ها در مورد باستانی پاریزی، بیانگر رویکرد باستانی به دانش تاریخ نگاری نوین بود.

نتیجه گیری

باستانی پاریزی به خوبی واقف بود که بعد از چند نسل فرهنگ عامه محلی از بین خواهد رفت و بهترین روش برای حفظ آن، ثبت آنها به وسیله قلم و آوردن بر روی کاغذ است. لذا توجه خاصی به تاریخ نگاری محلی به ویژه کرمان داشته است. وی، در تاریخ نگاری خود با کمک روایات مکتوب و شفاهی، همواره تحلیل تازه‌ای از رویدادهای تاریخی داشته است. باستانی پاریزی، درد مردم داشت و به اخبار و اتفاقاتی که در کشور و برای مردم رخ می‌داد، بی تفاوت نبود. وی با نقد رفتارهای مسئولین و ارائه پیشنهادهای کاربردی در جامعه، همچون منتقدی اجتماعی ایفای نقش می‌کرد.

نگاه باستانی پاریزی، به شخصیت‌های تاریخی، صرفاً نگاه سیاه و سفید نبود بلکه برای شناخت بهتر افراد در تاریخ از نگاه خاکستری سود می‌جست. باستانی پاریزی با بحث جزئیات تاریخی، توانست به قول خودش هم مردم را وارد تاریخ کند و هم تاریخ را به میان مردم ببرد. شناخت این مردم و جزئیات را درس اول تاریخ می‌دانست.

نثر باستانی پاریزی، تاثیرپذیرفته از تفکر تاریخی او به تاریخ و مردمش بود. او در پی پیوند مخاطب عام به جای مخاطب خاص با تاریخ بود. از نقطه نظرگاه او تا وقتی که تاریخ به میان مردم کشیده نشود، امیدی به رشد و پویایی آن جامعه نیست. باستانی پاریزی، واژه‌ها و اصطلاحات سرد و نثر سنگین تاریخی را به وسیله طنز، ادبیات و شوگردهای که مختص به خود اوست، به خورد مردم می‌داد تا سبب خستگی و زدگی آنها از مطالعه تاریخ نشود. همین راهکارها باعث شد که عده‌ای از محققین معاصر، نوشته‌های تاریخی و اجتماعی او را که نمونه‌عالی از تاریخ زندگی روزمره است تا سطح زمان تاریخی، پایین بیاورند و با نگاه انتقادی، نوشته‌های او را همچون وقایع نگاری تشبیه و توصیف کنند.

آثار تاریخی باستانی پاریزی یک تاریخ علمی صد درصد نیست و خودش هم به این موضوع اذعان دارد. زیرا او با زیر پای گذاشتن برخی از متدهای دانشگاهی، به کاری مهم‌تر به نام بلوغ تفکر تاریخی مردم به گذشته و آینده، پرداخته است. لذا باستانی پاریزی برای آشتی دادن توده مردم با تاریخ محلی و ملی، به ناچار باید از روش‌های دانشگاهی تعدیل می‌کرد. تاریخ نگاری باستانی پاریزی شبیه تاریخ نگاری، تاریخ زندگی روزانه جدید در اروپا است که در دانشگاه‌های اروپایی برای پیوند توده عوام با تاریخ، ایجاد شده است. هدف باستانی پاریزی از این نوع تاریخ نویسی، مشارکت دادن مردم به

خواندن تاریخ و آگاهی تاریخی از گذشته خود بود و اینکه تاریخ را به عنوان یک علم معرفی تبیین کند و در این راه تا حدود زیادی موفق بوده است.

کتابنامه

- آبادیان، حسین، (۲۰۱۵ م/۱۳۹۴). «تاریخ نگاری و تاریخ نگری باستانی پاریزی»، مجله ایران نامه، س ۳۰، ش ۳، پاییز، صص ۳۵۰-۳۳۰.
- آبادیان، حسین، (۱۴۰۱). «مبانی فرهنگی تاریخ نگری و تاریخ نگاری محمد ابراهیم باستانی پاریزی»، مجله مطالعات تاریخ فرهنگی پژوهش نامه انجمن ایرانی تاریخ، س ۱۴، ش ۵۴، زمستان، صص ۵۹-۳۷.
- اشراقی، احسان، (۱۳۹۳). «یادی از دوست و همکلاس قدیم»، مجله بخارا، یادنامه باستانی پاریزی، س ۱۵، ش ۹۹، پی در پی فروردین-اردیبهشت.
- اذکایی، پرویز، (۱۳۸۴). «تاریخ در ترازو» درخت معرفت جشن نامه استاد دکتر زرین کوب، به اهتمام علی اصغر محمدخانی، صص ۸۷-۶۵.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۹). حضورستان، تهران، انتشارات ارغوان.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۰). زیراین هفت آسمان، تهران، نشرعلم، چ ۵.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۵ الف). هزارستان، تهران، نشرعلم، چ ۲.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۵ ب). نای هفت بند، تهران، نشرعلم، چ ۷.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۱ الف). ازدهای هفت سر، تهران، انتشارات درنا، چ ۴.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۱ ب). ماه و خورشید و فلک، تهران، انتشارات خرم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۱ ج). کوچه هفت پیچ، تهران، نشر نگاه، چ ۶.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۸). فرمانفرمای عالم، تهران، انتشارات علمی، چ ۳.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳ الف). حماسه کویر، تهران، نشرعلم، چ ۲.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳ ب). «مشیرالدوله و ایران باستان»، زندگینامه خدمات علمی و فرهنگی مرحوم استاد باستانی پاریزی تاریخ نگار برجسته، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۳ ج). خود مشتم مالی، تهران، نشر علم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۲). خاتون هفت قلعه، تهران، نشرعلم.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۴۰۰). از پاریز تا پاریس، تهران، نشرعلم، چ ۱۵.

- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۹۱). نون جو و دوغ گو، تهران، نشر علم.
- باستانی پاریزی، حمید؛ باستانی پاریزی، حمیده (۱۳۹۴). شاعر تاریخ، یادگارنامه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، نشر علم.
- بیات، کاوه، (۱۳۹۳). «باستانی پاریزی شاعر لحظه‌های تاریخی»، مجله جهان کتاب، س ۱۹، ش ۲۹۹ و ۳۰۰، صص ۶۴-۶۳.
- بخشایی شهر بابکی، شکوفه، ابطحی، علیرضا، کامرانی فر، احمد و حسن آبادی، ابوالفضل، (۱۴۰۰). «بررسی برخی مؤلفه‌های تاریخ نگاری محلی در آثار باستانی پاریزی»، فصلنامه تاریخ نامه ایران بعد از اسلام دانشگاه تبریز، س ۱۲، ش ۲۹، زمستان، صص ۱-۲۴.
- تاکمن، باربارا، (۱۳۹۱). تاریخ بی خردی از تروآ تا ویتنام، ترجمه کامشاد، حسن، تهران، نشر کارنامه.
- دعایی، سید محمود، (۱۳۹۳ الف). «وآن صیادلحظات» مجله بخارا، یادنامه باستانی پاریزی، س ۱۵، ش ۹۹، پی در پی فروردین-اردیبهشت.
- دعایی، سید محمود، (۱۳۹۳ ب). از پاریز تا پردیس: یادمان استاد فقید دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی به اهتمام حسن زندیه، اپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- رنجبر، محمد علی، (۱۳۹۵). «پارادایم شناسی تاریخ نگاری باستانی پاریزی»، فصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، س ۸، ش ۱۳، اسفند، صص ۵۶-۳۷.
- رضوی، مسعود، (۱۳۸۹). همزادآدمیزاد، گستره تاریخ «گفتگوهای مسعود رضوی با تاریخ نگاران ایران»، تهران، هرمس، چ ۲.
- رضایی، زهره، الهیاری، فریدون و جعفری، علی اکبر، (۱۳۹۷). «نگاه تحلیلی به جایگاه مخاطب عام در تاریخ نگاری باستانی پاریزی»، دوفصلنامه علمی تاریخ نگری و تاریخ نگاری، س ۲۸، ش ۱۰۷، پاییز و زمستان، صص ۸۳-۶۱.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۹). حکایت همچنان باقی، تهران، سخن، چ ۴.
- شاهملکی، رضا، (۱۳۹۸). باستانی پاریزی شدن: باستانی پاریزی از زبان فرزند، تهران، انتشارات سفیر اردهال.
- زریاب خویی، عباس، (۱۳۵۶). «گذشته مقدمه حال است»، سی گفتار درباره کرمان، هشتمین کنگره تحقیقات ایرانی کرمان، به نقل از محمد ابراهیم باستانی پاریزی، حماسه کویر، (۱۳۹۳). تهران، نشر علم، صص ۳۶-۳۲.

زمردی، حمیرا و زینلی پور، عزت، (۱۳۹۹). «شگردهای خاص نویسندگی محمدابراهیم باستانی پاریزی در پژوهش‌های تاریخی»، مجله سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهارادب)، فروردین، ش ۴۷، صص ۸۷-۱۰۳.

شوهانی، سیاوش، (۱۳۹۳). تاریخنگارمردمی: گفتگویی با سیمین فصیحی، فرهنگ امروز، پایگاه تحلیل و اطلاع‌رسانی فرهنگ علوم انسانی؛ <https://www.farhangemrooz.com/news/15413>.

شیخ، محمد؛ فولادی، یعقوب، (۱۳۹۶). «تحلیلی برسبک نگارش باستانی پاریزی در پانویس‌هایش»، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهارادب)، س ۲، ش ۳۶، تابستان، صص ۱۶۹-۱۵۳.

فصیحی، سیمین، (۱۳۷۷). جریان‌های اصلی تاریخ‌نگاری در دوره پهلوی، مشهد، انتشارات نوند (نویدسابق).

فیضی، کریم، (۱۳۹۲). باستانی پاریزی و هزاران سال انسان، تهران، اطلاعات، چ ۲.

کرامتی، محمد هادی، (۱۳۷۰). تاریخ دلگشای اوز، به کوشش محمد شریف هدایتی، مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، شیراز، انتشارات نوید شیراز، چ ۲.

کهن، گوئل (۱۳۹۳). «فراخ‌نگری و انگیزه‌پروری باستانی پاریزی، نگرشی سیستمی در تاریخ‌نگاری»، مجله تاریخ بخارا، فروردین و اردیبهشت، س ۱۵، ش ۹۹، صص ۴۳۲-۴۱۳.

معصومی، محمدرضا و محجوبی، محسن، (۱۳۹۸). «بررسی برخی لغات و اصطلاحات محلی کرمان و پاریز در آثار محمد ابراهیم باستانی پاریزی»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، س ۹، ش ۱، بهار، صص ۱۴۷-۱۰۹.

نورائی، مرتضی و رضایی، زهره، (۱۳۹۱). «تاریخ جایگزین و کارکرد آن در همگانی‌سازی تاریخ»، دوفصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، س ۳۰، ش ۲۶، پیاپی و زمستان، صص ۳۲۰-۲۹۷.